

نکته‌هایی از معارف حسینی

راه رنج؛ مسیر حرکت اسیران کربلا از کوفه تا شام

دکتر عبدالهادی مسعودی^۱

سرآغاز راه: خط سیر کاروان حسینی در منطقه مکه مکرمه

امام حسین علیه السلام پس از آن که برای بیعت با یزید تحت فشار قرار گرفت، در ۲۸ رجب سال شصت هجری، از مدینه خارج و در سوم شعبان، به مکه وارد گردید. محل اقامت ایشان در مکه، خانه عباس بن عبدالمطلب واقع در شعب ابی طالب بود. ایشان تا هشتم ذی حجه در مکه توقف نمود و پس از دریافت نامه مسلم بن عقیل از کوفه، و نیز احساس خطر جدی از ناحیه کارگزاران نظام حاکم در مراسم حج، در هشتم ذی حجه، مکه را به قصد کوفه ترک کرد.

گفتنی است که امام علیه السلام در آغاز حرکت، به جای آن که از مکه به سوی شمال شرق و منزل صفاح (نخستین منزل مسیر مکه به کوفه) برود، به سمت تنعیم در شمال غرب و در مسیر مدینه، حرکت کرد و بدین سان، حدود نُه کیلومتر، راه خود را دور نمود. احتمالاً این اقدام، ترفندی برای رویارویی با تعقیب مأموران حکومت بود که قصد ممانعت از حرکت ایشان به سوی کوفه را داشتند.

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث.

مسیر قیام: خط سیر کاروان حسینی از مدینه تا کربلا

بر پایه صحیح ترین گزارش ها، کاروان امام حسین علیه السلام پس از چهار ماه و پنج روز اقامت در مکه، روز سه شنبه هشتم ذی حجه سال شصت هجری، مکه را به سوی کوفه ترک کرد؛ اما هنگامی که به نزدیکی کوفه رسید، به دلیل ممانعت سپاهیان ابن زیاد، مجبور به فرود آمدن در کربلا گردید.

منزلی که این کاروان از مکه تا کربلا طی کرده، به ترتیب، عبارت اند از:

۱. تنعیم، ۲. صفاح، ۳. بستان ابن عامر، ۴. ذات عرق، ۵. غمره، ۶. مسلح، ۷. افیعیته، ۸. معدن بنی سلیم، ۹. عمق، ۱۰. سليله، ۱۱. ربذه، ۱۲. مغيثة الماوان، ۱۳. نقره، ۱۴. حاجر، ۱۵. سمیراء، ۱۶. توز، ۱۷. فید، ۱۸. اجفر، ۱۹. خزیمیه، ۲۰. زرود، ۲۱. ثعلبیه، ۲۲. بطن، ۲۳. شقوق، ۲۴. زباله، ۲۵. قاع، ۲۶. عقبه، ۲۷. واقصه، ۲۸. شراف، ۲۹. ذو حسم، ۳۰. بیضه، ۳۱. عذیب الهجانات، ۳۲. رهمه، ۳۳. قصر بنی مقاتل، ۳۴. طف، و ۳۵. کربلا.

بر اساس محاسبات انجام شده، کاروان امام حسین علیه السلام این منازل را با مسافتی حدود ۱۴۴۷ کیلومتر، در مدت تقریباً ۲۵ روز، طی کرد و روز دوم محرم سال ۶۱ هجری، وارد کربلا شد.

اینک به برخی از منازل این مسیر، با ذکر حوادثی که در آنها رخ داده، اشاره می گردد:

۱. منزل تنعیم: مصادره اموالی که عامل یمن برای یزید می فرستاد، به دستور امام حسین علیه السلام.

۲. منزل صفاح: ملاقات امام حسین علیه السلام با فرزدق و پرسش از احوال مردم عراق.

۳. منزل حاجر (از منطقه بطن الرمه): ارسال نامه امام حسین علیه السلام به اهل کوفه توسط

قیس بن مسهر.

۴. منزل زرود: پیوستن زهیر بن قین به امام علیه السلام پس از ملاقات با ایشان.

۵. منزل ثعلبیه: رسیدن خبر شهادت مسلم و هانی به امام علیه السلام.

۶. منزل زباله: رسیدن خبر شهادت عبدالله بن یقطر و سخنرانی امام علیه السلام و اعلام خبر

شهادت عبدالله و مسلم و هانی توسط امام علیه السلام به همراهان و اعلام این که تعهدی ندارند

و می‌توانند باز گردند- که اکثر افراد، پراکنده شدند.

۷. منزل عقبه: رؤیای امام علیه السلام و تعبیر آن توسط ایشان به شهادت، و همچنین خبر دادن امام علیه السلام به شهادت قطعی خویش.

۸. منزل شراف: برداشتن آب اضافی و دیدن سپاه حُر از دور، پس از گذشتن از این منزل.

۹. منزل ذو حُسم: ملاقات با سپاه حر؛ سیراب شدن لشکر حر توسط یاران امام علیه السلام؛ خطبه کوتاه امام پیش از نماز ظهر و نماز جماعت گزاردن دو سپاه به امامت امام علیه السلام؛ برگزاری نماز جماعت عصر به امامت امام علیه السلام؛ سخنرانی ایشان پس از نماز عصر؛ مجادله امام علیه السلام با حرو سپس توافق بر ادامه مسیری که به مدینه و کوفه نینجامد.

۱۰. منزل بَیضه: خطبه امام علیه السلام در برابر سپاه دشمن.

۱۱. منزل عُدَیْب الهِجانات: الحاق چهار نفر از کوفه به اردوی امام علیه السلام با راه‌نمایی طرمّاح بن عدی و رسیدن خبر شهادت قیس بن مسهر به امام علیه السلام توسط آنها؛ پیشنهاد طرمّاح به امام علیه السلام مبنی بر پناه بردن به منطقه اجاء و سلمی.

۱۲. منزل قصر بنی مقاتل: برخورد امام با عبید الله بن حُرّ جَعفی و درخواست یاری از او و استنکاف او.

۱۳. منزل کربلا: فرود آمدن امام علیه السلام در کربلا، آمدن نامه عبید الله و فرمان وی به حر مبنی بر متوقف نمودن کاروان امام علیه السلام، فرود آمدن امام علیه السلام در کربلا.

مسیر اسیران: از کوفه تا شام

کاروان اسیران کربلا را پس از انتقال به کوفه، اندکی نگاه داشتند و سپس به سوی دمشق، پایتخت حکومت امویان، فرستادند. مسیر حرکت این کاروان، در کتب تاریخ و سیره، معین نشده است. از این رو، پیموده شدن هر کدام از مسیرهای میان کوفه و دمشق آن روزگار، محتمل است.

برخی خواسته‌اند با ارائه شواهدی، حرکت آنان را از یکی از این چند راه، قطعی نشان دهند؛ ولی مجموع قرائن، ما را به اطمینان کافی نمی‌رساند. ما ابتدا راه‌های موجود آن

روزگار را برمی شمیریم و سپس، قرائن ارائه شده را بررسی می‌کنیم. ذکر این نکته پیش از ورود به بحث، لازم است که میان کوفه و دمشق، فقط سه راه اصلی بوده است. البته هر کدام از این راه‌ها، در بخشی از مسیر، فرعی‌های متعدّد کوتاه و بلندی هم داشته‌اند که طبیعی است. (دانشنامه امام حسین علیه السلام، ش ۵)

راه نخست: راه بادیه (بیابان)

کوفه، در عرض جغرافیایی حدود ۳۲ درجه و دمشق، در عرض جغرافیایی حدود ۳۳ واقع است. این، بدان معناست که مسیر فرضی میان این دو شهر، تقریباً بر روی یک مدار از کره زمین، قرار دارد و نیازی به بالا رفتن و پایین آمدن بر روی زمین، جز در حدّ کسری از یک درجه نیست. بر روی این مدار، راهی واقع بوده که به «راه بادیه» مشهور بوده است. این مسیر، به طول تقریب ۹۲۰ کیلومتر، کوتاه‌ترین راه میان این دو شهر است. مشکل اصلی این راه، گذشتن از بیابان پهناور میان عراق و شام است که از روزگاران کهن، به «بادية الشام» مشهور بوده است. این مسیر، برای افرادی قابل استفاده بوده که امکانات کافی (بویژه آب) برای پیمودن مسافت‌های طولانی میان منزل‌گاه‌های دور از یکدیگر را در بیابان داشته‌اند، هر چند، گاهی شتاب و ترس از فوت وقت، برخی مسافران دیگر را نیز وادار به پیمودن این مسیر کرده است. گفتنی است در این بیابان، شهرهای بزرگی، وجود ندارد؛ اما این به معنای نبودن راه و چند روستای کوچک نیست.

راه دوم: راه کناره فرات

فرات، یکی از درود بزرگ عراق است که از ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از سوریه و عراق، به خلیج فارس می‌پیوندد. کوفیان، برای مسافرت به شمال عراق و شام، از کناره این رود، حرکت می‌کردند تا هم به آب، دسترس داشته باشند و هم از امکانات شهرهای ساخته شده در کناره فرات، استفاده کنند. گفتنی است لشکرهای انبوه و کاروان‌های بزرگ که به آب فراوان نیاز داشتند، ناگزیر از پیمودن این مسیر بودند. این مسیر، ابتدا از کوفه به مقدار زیادی به سوی شمال غرب می‌رود و سپس از آن جا به

سوی جنوب، بازمی‌گردد و با گذر از بسیاری از شهرهای شام، به دمشق می‌رسد. این راه، انشعاب‌های متعدّد داشته و با طول تقریبی ۱۱۹۰ تا ۱۳۳۰ کیلومتر، جای‌گزین مناسبی برای راه کوتاه، اما دشوار بادیه بوده است. مجموع این راه و راه بادیه را می‌توان به یک مثلث، تشبیه کرد که قاعده آن، راه بادیه است.

راه سوم: راه کناره دجله

دجله، دیگر رود بزرگ عراق است و آن نیز مانند فرات، از ترکیه سرچشمه می‌گیرد. درگذشته، برای رفتن به شمال شرق عراق، از مسیر کناره آن، استفاده می‌کرده‌اند. این راه، مسیрав اصلی میان کوفه و دمشق، نبوده است و باید پس از پیمودن مقدار کوتاهی از آن، کم‌کم به سمت غرب پیچید و پس از طی مسیره چندان کوتاهی، به راه کناره فرات پیوست و از آن طریق، وارد دمشق شد.

این مسیر را می‌توان سه ضلع از یک مستطیل دانست که ضلع چهارم آن راه بادیه است. سه ضلع یاد شده: مسافت پیموده شده از کوفه به سمت شمال، راه پیموده شده به سمت غرب، و راه پیموده شده به سمت جنوب است که در واقع، بازگشت از بخشی از مسیر پیموده شده قبلی است. از این رو، از همه راه‌های دیگر، طولانی‌تر است و طول آن، حدود ۱۵۵۰ کیلومتر است. این راه را «راه سلطانی» نامیده‌اند.

چند نکته قابل توجه

ما دلیل روشن و گزارش تاریخی معتبر و کهنی برای اثبات عبور کاروان اسیران کربلا از یکی از این سه راه، در دست نداریم و حدیثی نیز از اهل بیت علیهم‌السلام در این باره به ما نرسیده است. آنچه در دسترس ماست، برخی نشانه‌های جزئی و ناکافی‌اند که به صورت پراکنده، در برخی کتاب‌ها آمده‌اند، و نیز قضاة پردازیه‌ها و شرح حال‌های نامستندی که در کتاب‌های غیر معتبر (مانند مقتل ساختگی منسوب به ابو مخنف)، آمده و سپس در کتاب‌های دیگر، تکرار شده‌اند. اینک، نشانه‌های جزئی پیش‌گفته را بررسی می‌کنیم:

۱. در معجم البلدان که یک کتاب کهن جغرافیایی است در معرّفی بخشی از شهر حَلَب در شام، آمده است:

در غرب شهر و در دامنه کوه جوشن، قبر محسن بن حسین علیه السلام است که گمان دارند وقتی اسیران [کربلا] را از عراق به دمشق می بردند، او از مادرش سقط شده است و یا کودکی بوده است همراه آنان که در حَلَب، در گذشته و همان جا دفن شده است. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۸۴ و ۱۸۶)

معلوم است که این گزارش، در صورت درستی، عبور کاروان از راه بادیه را نفی می کند (زیرا حَلَب، در آن مسیر قرار ندارد)؛ اما به تنهایی نمی تواند یکی از دو مسیر سلطانی (کناره دجله) و یا کناره فرات را تأیید کند؛ زیرا این دو راه، در بخشی از مسیر، با هم مشترک هستند و منطقه حَلَب، در سر هر دو راه قرار دارد.

از سوی دیگر، به کار رفتن واژه «یزعمون» (به معنای این گونه ادعا می کنند) «از سوی مؤلف معجم البلدان، بر این دلالت دارد که او خود اطمینان چندانی به این سخن ندارد، بویژه آن که فرزندی به نام محسن و یا همسر بارداری از امام حسین علیه السلام در وقایع کربلا، سراغ نداریم و سخنی از آنها در کتاب های در دسترس، نیامده است، و وجود شهرت محلی، برفرض درستی گزارش، از حدّ یک عقیده عمومی معمولی، فراتر نمی رود.

۲. ممکن است برخی بر اساس یکی بودن مسیر بردن سر امام حسین علیه السلام و حرکت کاروان اسیران واقعه کربلا، با استناد به گزارش ابن شهر آشوب که به نقل از نطنزی، به ماجرای برخورد راهب صومعه با سر امام حسین علیه السلام، در منزل قَسْرین (در شمال شام) پرداخته است، بخواهند عبور از راه سلطانی را اثبات کنند.

پاسخ این گروه، آن است که پیش فرض این استدلال، یعنی یکی بودن مسیر حرکت کاروان اسیران و سر مبارک امام حسین علیه السلام، مسلم نیست و این احتمال، وجود دارد که سر را در شهرها چرخانده باشند؛ اما اسیران را از راهی کوتاه تر برده باشند. حتّی در برخی اخبار، آمده است که سر مطهر امام علیه السلام را پس از ورود اسرا به شام، در شهرهای شام نیز گردانیدند، چنان که در شرح الأخبار چنین آمده است: (آن گاه یزید ملعون، دستور دارد که سر حسین علیه السلام را در شهرهای شام و دیگر شهرها بگردانند). (شرح الاخبار،

ج ۳، ص ۱۵۹)

مطابق این نقل، این امکان وجود دارد که سرمطهر امام علیه السلام، پس از رسیدن به شام، به مناطقی چون موصل و نصیبین هم که در راه سلطانی قرار دارند، رسیده باشد. از این رو، احتمال دارد که این گونه حوادث گزارش شده، مربوط به روزگار چرخاندن سرپس از رسیدن اسیران به شام بوده و یا در مسیر حرکت آنان به سوی شام، اتفاق افتاده باشد.

همین احتمال، در باره مکان‌هایی که به «رأس الحسین علیه السلام» موسوم اند، وجود دارد. ابن شهر آشوب، در ذکر مناقب امام علیه السلام آورده است:

از فضیلت‌های ایشان (امام حسین علیه السلام)، کراماتی است که از مکان‌هایی که به آنها «رأس الحسین علیه السلام» گفته می‌شود و از کربلا تا عسقلان و در میان آن دو (موصل و نصیبین و حماه و حمص و دمشق و جز اینها) قرار دارند، دیده شده است. (المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۰)

درباره این مناطق، علاوه بر این که ابن شهر آشوب، تصریح نکرده که اسیران یا سرمطهر، از آنها گذر داده شده‌اند، این احتمال وجود دارد که چون سالیان درازی در قلمرو حکومت‌های شیعی یا دوستدار اهل بیت علیهم السلام (مانند: آل حمدان و فاطمیان) بوده‌اند، در آنها به هر دلیل یا انگیزه‌ای (چه واقعیت، چه یادبود و چه خواب و ...)، «رأس الحسین»‌هایی ایجاد شده باشد، چنان که رأس الحسین موجود در قاهره، در زمان فاطمیان، ایجاد شد.

افزون بر این، ماجرای راهب و سر، برای برخی مکان‌های دیگر هم ذکر شده که به دلیل بعید بودن تکرار این ماجرا، گزارش ابن شهر آشوب، دست‌خوش تعارض می‌گردد؛ زیرا یکی از مکان‌های ذکر شده، دیری در اوایل راه است و با قنسرین که در اواخر راه واقع است، همخوان نیست.

گفتنی است بر فرض صحت گزارش ابن شهر آشوب نیز، گذشتن کاروان اسیران از راه سلطانی اثبات نمی‌شود؛ زیرا بخشی از راه سلطانی، با راه فرات، مشترک است و منطقه قنسرین، در مسیر کناره فرات نیز قرار دارد. البته این گزارش، در صورت درستی، عبور از

راه بادیه را نفی می‌کند.

۳. به گمان ما و برخلاف آنچه در عصر اخیر رواج یافته، گذشتن کاروان اسیران کربلا از راه سلطانی، کمترین احتمال را دارد؛ زیرا دورترین راه است و اساساً راهی نیست که برای کاروانی کوچک که به اسارت می‌روند، نه برای گردشگردی، انتخاب شود. افزون بر این که پیموده شدن این راه، مدرک معتبری ندارد و مستند این قول، مقتل منسوب به ابومخنف است.

از سوی دیگر، پذیرش عبور از راه طولانی سلطانی، با ماجرای «اربعین» و این که اسیران در بازگشت از شام، در اولین اربعین واقعه عاشورا بر سر مزار حسین علیه السلام حاضر شده باشند نیز ناسازگار است.

ممکن است گفته شود که قدرت نمایی دستگاه حاکم، اقتضا می‌کرده که اسیران را از درون شهرها عبور دهند و از این رو، آنان را از راه سلطانی برده‌اند؛ اما این دلیل با بردن اسیران از مسیر کناره فرات نیز سازگار است؛ زیرا در این مسیر هم شهرهای مهمی واقع بوده است. افزون بر این، با چرخاندن سرهای شهدا نیز این قدرت نمایی به انجام می‌رسیده و به چرخاندن گروهی اندک (در حد یک خاندان کوچک و متشکل از چند زن و کودک)، نیازی نبوده است؛ زیرا این کار، اگر نشانه ضعف حکومت نباشد، نشانه قدرت آن هم شمرده نمی‌شود، بویژه که دستگاه حاکم، شجاعت و سخنوری امام زین العابدین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام و دیگر اسیران را در کوفه، شاهد بوده است. از این رو، سیاست، اقتضا داشته که اسیران را از بیراهه ببرند و در شهرها نچرخانند.

۴. بر اساس آنچه گفته شد، تنها نکته ای که می‌تواند حرکت کاروان اسیران از راه سلطانی و یا راه کناره فرات را بر راه بادیه ترجیح دهد، دسترس داشتن به آب رودخانه است که این نیز با توجه به کوچک بودن کاروان و امکان حمل آب با شتر، چندان وجه استواری نیست. مؤید این نکته، عدم ذکر جزئیات سفر و نبودن گزارشی در باره رسیدن کاروان به شهرها و یا دست کم، یکی دو شهر مهم سر راه است، که خود، نشان از پیمودن مسیر بیابانی و یا حتی بیراهه است.

۵. برخی شواهد که می‌توانند موجب ترجیح راه بادیه بر دور راه دیگر گردند،

عبارت اند از:

یک. راه کناره فرات و راه سلطانی، هردو، دارای شهرهای بسیاری بوده‌اند و اگر این راه‌ها، مسیر حرکت اسیران می‌بود، بایستی نقل‌هایی از مواجهه مردم این شهرها با کاروانیان یا مشاهده شدن آنان در آن شهرها، در منابع معتبر می‌آمد چنان‌که در کربلا و کوفه و شام، چنین گزارش‌هایی وجود دارد، در حالی که در این باره، هیچ نقلی نیامده است. بنا بر این، به نظر می‌رسد که مسیر حرکت اسیران، از جایی بوده که کمترین حضور مردمی را داشته که همان مسیر بادیه است.

دو. اعتراض‌هایی که از لحظه شهادت امام حسین علیه السلام علیه حکومت اموی، حتی به وسیله برخی طرفداران حکومت و خانواده جنایتکاران، انجام یافت و بازتابی که واقعه عاشورا در کوفه به وجود آورد، قاعدتاً حکومت را از این که اسیران و سرمطهر امام علیه السلام را از مسیر شهرها و آبادی‌های پُرجمعیت عبور دهند، باز می‌داشت. متن کتاب کامل نوشته شیخ بهایی نیز مؤید این مسئله است: (ملاعین که سر حسین علیه السلام [را] از کوفه بیرون آوردند، خائف بودند از قبائل عرب که غوغا کنند و از ایشان، باز ستانند. پس راهی [را] که به عراق است، ترک کردند و بیراه می‌رفتند). (کامل بهایی، ج ۲، ص ۲۹۱)

سه. سرعت انجام گرفتن کار، در کارهای حکومتی، یک اصل است. لازمه رعایت این اصل، گذر از کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر بوده است.

نتیجه نهایی

به دلیل نبود دلایل روشن و قابل اعتماد، نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد؛ ولی با توجه به نکاتی که گذشت عبور کاروان اسیران کربلا از مسیر بادیه، احتمال بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد.

راه بازگشت: از شام تا مدینه

بر اساس نقشه ویژه دانش‌نامه امام حسین علیه السلام، فاصله میان دمشق تا مدینه، تقریباً ۱۲۳۰ کیلومتر است و با احتساب دمشق و مدینه، شامل ۳۲ منزل بوده است. کاروان

اسیران، در بازگشت از شام، قطعا این مسیر را پیموده‌اند و چنانچه در ضمن حرکت، به کربلا هم رفته باشند، مسیر بسیار طولانی تری را سپری کرده‌اند.

حرکت پُرنج خانواده امام علیه السلام و همراهان، از مدینه آغاز شد و به مدینه نیز ختم گردید و حداقل مسیری که این بزرگواران طی کرده‌اند (با فرض رفتن از کوفه به دمشق از کوتاه‌ترین مسیر، یعنی راه بادیه، و عدم احتساب رفتن مجدد به کربلا)، بیش از ۴۰۰۰ کیلومتر است، با این محاسبه:

۴۳۰ کیلومتر (از مدینه به مکه) + ۱۴۵۰ کیلومتر (از مکه به کربلا) + ۷۵ کیلومتر (از کربلا به کوفه) + ۹۲۰ کیلومتر (از کوفه به دمشق از راه بادیه) + ۱۲۳۰ کیلومتر (از دمشق به مدینه).
امید که جانفشانی اهل بیت امام حسین علیه السلام در پیمودن این مسیر طولانی، مسیر شیعیان و دوستان آنان را به سوی پردیس خدا، هموار نماید.

شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

